



## گونه‌شناسی راهبردهای توسعه محلی در جوامع روستایی و محلی

علی عسگر حلوانی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

### چکیده

اساس رویکرد توسعه محلی، افزایش مشارکت به معنای افزایش توانمندسازی و اعتماد به نفس مردم و نظارت آن‌ها بر همه فرایندهاست. وقتی مردم محلی از توانمندی برخوردار شوند، امکان کار جمعی فراهم می‌شود. این روش زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که از سال‌های ۱۹۶۰ روش‌های کمی و کیفی مرسوم در مطالعه راهبردهای توسعه جوامع روستایی و شهری مورد انتقاد قرار گرفتند و سؤالاتی از قبیل اینکه چه گروه‌هایی کمتر در فرآیند توسعه مشارکت دارند، به مشارکت چه کسانی بیشتر باید توجه شود و دلایل عدم توفیق مکرر سیاست‌های تجویزی توسعه از سوی دولت‌های مرکزی و محلی برای جوامع مختلف چیست، مطرح شدند. پاسخ این سؤالات، از طریق مشارکت مردم به‌ویژه نخبگان جوامع محلی در فرایند توسعه محلی امکان‌پذیر است. هدف از این مطالعه کیفی، توسعه چهارچوبی است که بتوان از طریق آن به یک دیدگاه و چشم‌انداز جامع در مورد راهبردها و الگوهای گوناگون توسعه محلی دست یافت و هر راهبرد را بر مبنای این چهارچوب پیشنهادی تفسیر نمود، تا از این طریق شالوده اصلی و رویکردهای کلیدی هر راهبرد در زمینه مسائل اساسی توسعه جوامع محلی مشخص گردد. ماحصل این مطالعه نشان می‌دهد که مجموعه راهبردهای موجود را می‌توان در سه گونه متفاوت و متمایز از یکدیگر دسته‌بندی نمود. راهبردهای نمایندگی، تعاملی و مشارکتی هر کدام در زمینه نگاه به نقش جامعه محلی، اهداف توسعه‌ای و نقش عامل تسهیل‌گر با یکدیگر متفاوت هستند.

**کلیدواژه‌ها:** توسعه محلی؛ مشارکت؛ تسهیل‌گری؛ راهبردهای تسهیل‌گری توسعه؛ جامعه محلی.

## مقدمه

توسعه در فرهنگ لغت آکسفورد، به معنای «رشد تدریجی در جهت پیشرفت، افزایش قدرت و حتی بزرگ‌تر شدن» است (لغت‌نامه آکسفورد، ۲۰۰۰). واژه توسعه به «فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم» (سیف‌الدینی، ۱۳۸۷) نیز معنا شده که بیانگر عنصری کلیدی در حوزه برنامه‌ریزی است. با آشکار شدن ناکارآمدی راهکارهای تجویزی و دستوری در طرح‌های توسعه محلی، توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش‌ازپیش به سطوح پایین‌تر زندگی شهری و روستایی جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماع محلی جلب شد. در برنامه‌ریزی‌هایی که به منظور توسعه در سطوح محلی انجام می‌شود، توجه صرف به نیازها و کمبودها نه فقط دانش و ظرفیت اجتماع محلی را برای مشکلات نادیده می‌گیرد، بلکه ساکنان را به عنوان افرادی خواهان کمک در چرخه وابستگی گرفتار می‌کند و سرمایه را نه به سوی آن‌ها، بلکه به سوی فراهم‌کننده خدمات هدایت می‌کند (آکوماک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). توسعه محلی بیانگر فرایندی است که بر اساس آن، سرمایه‌ای که اجتماع به صورت بالقوه قادر به جمع‌آوری و استفاده از آن است، افزایش می‌یابد تا کیفیت زندگی مردم بهبود پیدا کند. پس این مفهوم شامل تمام مسائل مرتبط با مسکن، توسعه اقتصادی، مشارکت شهروندان، رفاه اجتماعی، امنیت، آموزش و مسائل زیست‌محیطی است و میان تمام این عناصر نیز ارتباط متقابلی وجود دارد (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۵). بر اساس پارادایم جدید، دولت به تنهایی بازیگر عرصه توسعه نیست و در کنار آن شرکت‌ها، انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی نیز باید مشارکت داشته باشند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰).

از سوی دیگر، روستا در جامعه ایرانی اهمیتی بنیادین و وابسته به تمدن دارد. جامعه روستایی ایران خاستگاه بسیاری از اندیشه‌ها، هنرها، فرهنگ و گهواره تمدن و شهرنشینی است. حتی استمرار و پویایی ادبیات و زبان فارسی که در پی استیلای دویست ساله سلوکیه و زبان یونانی به محاق افتاده بود، به جوامع روستایی ایران منوط است. خدمت و نقش تاریخی جامعه روستایی ژرف‌تر و گسترده‌تر از فرهنگ کشاورزی و عرضه مازاد تولید و نیروی انسانی به بخش‌های شهری، صنعتی، هنری و تجاری است. اکتشافات و اختراعات در حوزه کشاورزی نیز ناشی از سرشت جامعه روستایی است.

---

1. Akcomak

نظام‌های بهره‌برداری کمتر از ده هکتار، که ۳۸/۵ درصد اراضی زراعی دارند، بیش از ۵۰ درصد محصولات غذایی و ۷۰ درصد محصولات کاربردی را تولید می‌کنند (ابراهیم پور، ۱۳۹۳). بخش کشاورزی ایران در انتقال دانش بومی، استمرار تولید دهقانی (خانوادگی)، افزایش انگیزه کشاورزان، گسترش شبکه‌های کارآفرینی، توان بالای سازگاری با تحولات و تغییرات محیطی - انسانی، و خودکفایی در تولید غذا، به جامعه روستایی وابسته است. فرآوری محصولات، حفاظت از اراضی کشاورزی، و منابع و چشم‌اندازهای طبیعی نیز به حمیت و همت جامعه روستایی منوط است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۸).

در وضعیت کنونی، روند افول شاخص‌های توسعه جامعه روستایی از مهم‌ترین موانع توسعه ایران است. حدود یک دهه است که اضمحلال جامعه روستایی و بحران حاشیه‌گزینی آهنگی شتابان گرفته است، اما جامعه روستایی، به دلیل دانش تاریخی و پویایی فرهنگ بومی، همچنان در مقابل این سیر نزولی مقاومت می‌کند. جامعه روستایی در ایران که خاستگاه تمدن و مهد دانشمندان بزرگ بوده، همواره و تا دهه‌های اخیر، در مقایسه با جامعه شهری، حیات پررونق‌تر و بهره‌وری بیشتری داشته است. با توجه به مطالب بیان شده، هدف از پژوهش حاضر شناسایی و توصیف راهبردهای توسعه جوامع روستایی و محلی است. آگاهی از سیر تاریخی حرکت‌های توسعه‌ای و دستاوردهای آن‌ها، از یک سو و جمع‌بندی دیدگاه‌های معاصر به منظور اصلاح و انتخاب رویکردی مناسب و مقتضی برای شرایط امروز کشور و به فراخور وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستاها موضوعی کلیدی و مهم به شمار می‌آید. از آنجا که تجارب گوناگون توسعه‌ای بر پایه پیش‌فرض‌های مختلفی نسبت به مفهوم توسعه صورت گرفته و ماحصل هر یک از این پیش‌فرض‌ها نیز دستیابی به نتایج متفاوت بوده است، لذا ارزیابی و تمیز راهبردهای مختلف می‌تواند در جهت انتخاب راهبرد مناسب برای فعالان عرصه توسعه و تسهیل‌گری در جوامع محلی و روستایی مثمر ثمر واقع گردد.

## مبانی نظری

### توسعه روستایی

توسعه در سال‌های اخیر به یکی از اصطلاحات بحث‌برانگیز تبدیل شده و از دیدگاه‌های مختلف تعریف شده است. برای مدتی ملاک اصلی توسعه، درآمد سرانه بود اما به تدریج این دیدگاه تغییر یافت و بحث کیفیت زندگی مطرح گردید. توسعه باید به‌عنوان جریانی چندبعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است مورد توجه قرار گیرد. توسعه، علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساخت نهادی، اجتماعی و اداری و نیز طرز تلقی عامه مردم و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است (تودارو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). «به‌طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ابعاد و جنبه‌های مختلف نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد» (ازکیا، ۱۳۸۱).

در حقیقت، بحث توسعه از رشد اقتصادی به توسعه فرهنگی و انسانی گرایش پیدا کرده است. توسعه فرآیندی است که انسان، بدون توجه به جنسیت، انتخاب می‌کند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرنوشت خود مشارکت می‌نماید. جامعه‌ای که می‌خواهد به سوی توسعه گام بردارد باید به جای تغییر صرف عوامل مادی، در جهت مشارکت بیشتر مردم و کنترل بیشتر مردم بر سرنوشت خود قدم بردارد. آمارتیاسن<sup>۲</sup> توسعه را فراگردی می‌نامد که «استحقاق‌ها» و «قابلیت‌های» مردم را برای زندگی کردن به روشی که از نظر ما ارزشمند است، بسط می‌دهد و به جای تمرکز بر محصول ملی یا درآمد کل، از این دیدگاه دفاع می‌کند که اقتصاددانان توسعه باید بر استحقاق‌های مردم و قابلیت‌هایی که این استحقاق‌ها را ایجاد می‌کنند، متمرکز شوند. (مایر، ۱۳۷۸). اون و شاو<sup>۳</sup> توسعه را استقرار و تأسیس

---

1. Todaro  
2. Amartya Sen  
3. Owen and Shaw

نهادهایی می‌دانند که در جامعه به افراد فقیر و محروم فرصت شرکت در اتخاذ تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز زندگی را اعطا می‌کند، یعنی فرآیند کاهش نابرابری‌ها. میسرا<sup>۱</sup> توسعه را دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی می‌داند. (دفتر مطالعات و طراحی ترویج و نظام بهره‌برداری، ۱۳۸۴).

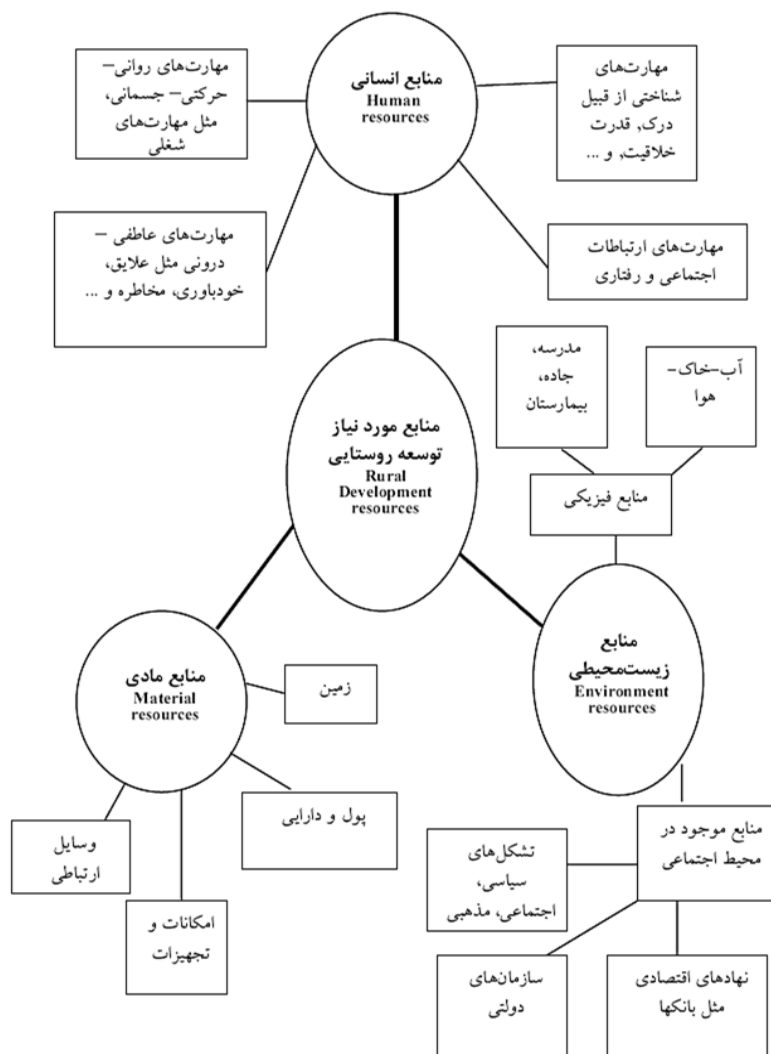
بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۲۶ درصد از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. کشور ما با داشتن حدود ۲۱ میلیون جمعیت روستایی و حجم وسیع مهاجرت نیاز به برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای گسترده و همه‌جانبه در سطح روستاها دارد. اکثریت مردم فقیر کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، و این امر بر اهمیت نقش توسعه روستایی در توسعه ملی دلالت دارد. توسعه روستائی در بیشتر کشورهای جهان سوم به شکل صحیح و اصولی پیاده نشده است. توسعه روستایی مانند خود توسعه، پیچیده و دارای مفاهیم مختلفی است. گاهی توسعه روستایی را همان توسعه کشاورزی تعریف کرده‌اند. گروهی نیز ایجاد شرایط لازم برای عدم مهاجرت روستائیان از مناطق روستایی را توسعه روستایی نامیده‌اند (کمالی، ۱۹۹۸). مایکل تودارو، اقتصاددان معاصر، در این باره چنین می‌نویسد: اگر قرار است توسعه‌ای صورت گیرد و خود مستمر باشد، باید به طور اعم از مناطق روستایی و به طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود (تودارو، ۱۹۹۷).

توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست که با توزیع نهاده‌های کشاورزی و ترویج صورت پذیرد؛ همچنین توسعه به مفهوم رفاه اجتماعی نیز نبوده است که با تزریق پول به مناطق روستایی حاصل گردد؛ بلکه توسعه طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری که آن‌ها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی‌شان نگه داشته است قادر می‌سازد. به باور کارشناسان و متصدیان امر، تحقق توسعه روستایی بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. به همین اعتبار اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر است. به عبارت دیگر، توسعه منابع انسانی، عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار است (دفتر مطالعات و طراحی ترویج و نظام بهره‌برداری، ۱۳۸۴). وجود منابع مختلف مادی و معنوی از عوامل اساسی و

---

1. Misra

موردنیاز توسعه است. منابع موردنیاز توسعه روستایی از دیدگاه انگبرگ<sup>۱</sup> در شکل زیر ارائه شده است.



شکل ۱. منابع موردنیاز توسعه روستایی (انگبرگ، ۱۳۷۷)

1. Engberg

با توجه به نمودار فوق، منابع موردنیاز توسعه روستایی در سه گروه منابع انسانی، منابع مادی و منابع زیست‌محیطی جای می‌گیرند و هر کدام از این گروه‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که در رسیدن به اهداف توسعه روستایی نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. به نظر می‌رسد برای دستیابی به اهداف توسعه و نیز توسعه روستایی، توسعه انسانی مهم‌ترین منبع به شمار رود و در چگونگی به کارگیری، بهبود و ایجاد این منبع جهت بهره‌برداری بهینه و پایدار، نقش آموزش بسیار مهم و قابل تأمل باشد.

بدیهی است که راهبردهای توسعه روستایی، نشأت گرفته از نگرش کلی نسبت به این موضوع است. اگر هدف توسعه روستایی صرفاً توسعه کشاورزی است، بحث ترویج هم به حیطه انتقال دانش و فناوری جدید، یعنی ترویج سنتی، محدود می‌گردد. اگر در بحث توسعه روستایی سخن از توسعه انسان‌ها، محیط و روابط زندگی است، راهبردهای پیشنهادی باید با آن تناسب داشته باشند. در اینجا بحث توانمندی و ظرفیت‌سازی مطرح می‌شود یعنی اینکه زمینه‌ای فراهم گردد که روستائیان خودشان بر تشخیص نیازهایشان و اجرای پروژه‌های توسعه کنترل و مالکیت داشته باشند و کارگزاران توسعه صرفاً نقش تسهیل‌گر را بر عهده بگیرند. در دهه‌های اخیر طرح مفاهیم و راهبردهای جدید در بحث توسعه روستایی گسترش یافته است. ولی به نظر می‌آید که هنوز مشکلات اساسی همچنان پابرجاست. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بحث انتقال فناوری و نظریه‌های نو سازی تحت عنوان «عمران روستایی» مطرح شد که ماحصل آن انقلاب سبز بود. سپس در دهه ۷۰ بحث توسعه جامع روستایی مطرح گردید. هم‌زمان با بحث عمران روستایی شاهد کاربرد واژه «روح بخشی روستایی» خصوصاً در مناطق و کشورهای فرانسوی‌زبان در آفریقا بوده‌ایم. بحث عمران روستایی بیشتر در مناطق انگلیسی‌زبان آفریقا دنبال گردید و ریشه آن در طرح مارشال در آلمان غربی بود. قرار بود الگوی مارشال که همان انتقال سرمایه، دانش و فناوری در آلمان بود، در مناطق دیگر هم دنبال گردد.

عمران روستایی یک رهیافت توسعه عمودی است که معمولاً برنامه‌ریزی، اجرا، ارزشیابی و مدیریت آن توسط یک گروه متخصص خارج از اجتماع موردنظر دنبال می‌گردد. در این رهیافت افراد به دو دسته ارائه‌کنندگان و گیرندگان تقسیم می‌شوند، یعنی کسانی که تصمیم می‌گیرند و کسانی که درباره‌شان تصمیم گرفته می‌شود. بحث اصلی در این رهیافت آن است که باید کار را به

متخصصان واگذار کرد؛ یعنی اینکه مردم روستایی نمی‌دانند و دیگران باید برای آنان تصمیم بگیرند و آن‌ها هم صرفاً باید دستورها را اجرا کنند. البته از این نظر، مفهوم روح‌بخشی روستایی نسبت به عمران روستایی از مبنای نظری قوی‌تری برخوردار است و در آن به مشارکت مردم اهمیت بیشتری داده می‌شود. شاید یکی از وجوه تمایز این دو نظریه نقش روح‌بخش یا تسهیل‌گر باشد. این شخص از میان مردم انتخاب می‌شود و پل ارتباطی بین مردم و اداره‌ها می‌شود. تسهیل‌گر عضوی از جامعه محلی است و نقش مهمی ایفا می‌نماید. طرح مذکور از این جهت با عمران روستایی متفاوت است که فصل مشترک مردم و سازمان‌های دولتی، یک فرد غیردولتی است؛ در عمران روستایی، مروج یک عامل دولتی است، ولی در روح‌بخشی روستایی، فصل مشترک مردم و سازمان‌های دولتی یک فرد روستایی است؛ اما هنوز عامل تصمیم‌گیرنده در هر دو شکل، دیوان‌سالاران دولتی هستند و روند تصمیم‌گیری به صورت متمرکز است؛ یعنی درست است که تسهیل‌گر یا روح‌بخش روستایی یک عامل مهم و حساس در روند توسعه روستایی به حساب می‌آید، ولی به تنهایی شرط کافی برای بهینه‌سازی بستر توسعه روستایی نیست.

در نهایت هر دو رهیافت مورد نقد و بررسی صاحب‌نظران توسعه قرار گرفت و بحث توسعه جامع روستایی مطرح گردید که به نحوی بر مشارکت مردم در آن بیشتر تأکید می‌شود. از اوایل دهه ۸۰ تاکنون این رهیافت هم مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نقاط ضعف آن بیشتر نمایان گردیده و راهبردهای جدید توسعه روستایی مطرح شده است (کمالی، ۱۹۹۸). در چنین شرایطی معمولاً مردم روستایی بیشتر موضوع بحث توسعه قلمداد می‌گردند تا عامل و فاعل توسعه. برنامه‌ها قبلاً در دفاتر دولتی برای مردم مناطق روستایی با برنامه‌های «عادی و روتین» آماده می‌گردد. نسخه برای همه بیماران یکسان است. مردم قرار است این برنامه‌های از پیش تدوین شده را عمل نمایند نه آنکه برنامه بدهند. مردم روستایی به عنوان انسان‌های فقیر، ناآگاه و عقب مانده مطرح هستند که قیّم فکری نیاز دارند. نیاز آن‌ها و برنامه‌های توسعه آن‌ها باید توسط کارشناسان مجرب دنبال گردد (کمالی، ۱۹۹۸).

### توسعه محلی

اصطلاح «توسعه محلی» غالباً برای توصیف اقدامات مشارکتی به کار برده می‌شود و در مواقعی



که دولت قادر به برآورده ساختن خواست‌ها و انتظارات اجتماع محلی نیست، خودیاری و ارائه خدمات را ارتقا می‌دهد. توسعه محلی درباره تعامل با مردم به منظور کمک به آن‌هاست، برای اینکه راهی بیابند تا همکاری و درک متقابل را بین افراد و گروه‌های اجتماعی بهبود بخشند و در جهت بهتر شدن زندگی خود در آن تغییراتی ایجاد نمایند. انجمن منابع توسعه محلی در افریقای جنوبی<sup>۱</sup> این مفهوم را این گونه توصیف می‌کند: «توسعه محلی رویکردی آگاهانه و تسهیلی در جهت تحول اجتماعی است. اقدام مؤثر در جهت توسعه محلی با افراد و نهادهای آن‌ها، و جوامع و جنبش‌های مختلف همراه می‌شود و در تلاش برای پی بردن به خواسته‌ها و انتظارات از آن‌ها پشتیبانی می‌نماید؛ همچنین در تصمیم‌گیری و دسترسی به سهم منصف آن‌های از منابع به آن‌ها یاری می‌رساند» (آلیسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

اقدام در جهت توسعه محلی ضمن اینکه مبتنی بر حقوق انسانی است و بر جوانب سیاسی و مشارکتی اقدامات انجام گرفته توجه دارد، بر دستیابی به کرامت و آزادی به‌عنوان جنبه‌هایی از آسایش، اخلاق و عواطف انسانی هم بسیار تأکید می‌کند. در سال ۱۹۹۵، سازمان ملل متحد، توسعه محلی را چنین تعریف کرد: «توسعه محلی فرایندی است که در راستای ایجاد شرایط پیشرفت اقتصادی و اجتماعی برای کل اجتماع محلی طراحی شده است» (آلیسون، ۲۰۰۹). این تعریف به نوعی بر رویکرد «همکاری با مردم» اشاره داشت که می‌توان آن را در همه کشورهای دنیا به کار برد. بیانیه‌های بین‌المللی، مثل بیانیه بوداپست (۲۰۰۴)، یائونده (۲۰۰۱) و هنگ‌کنگ (۲۰۰۴) بر نقش توسعه محلی به‌عنوان یک عمل مردم محور برای ظرفیت‌سازی در شهروندان و نهادهای دولتی با هدف ایجاد صلح و دموکراسی تأکید کرده‌اند.

توسعه محلی روشی برای تحکیم جامعه مدنی از طریق اولویت‌بندی فعالیت‌های اجتماعات محلی و چشم‌اندازهای آن در ایجاد سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی است. توسعه محلی ظرفیت افراد را در نقش شهروندان فعال از طریق گروه‌ها، نهادها و شبکه‌های مردمی بالا می‌برد و از این طریق بین آن‌ها گفتگو به وجود می‌آورد؛ بنابراین، توسعه محلی از طریق ترویج صداها مستقل

1. Association of Local Development Resources in South Africa

2. Alison

جوامع محروم و آسیب‌پذیر در حمایت از نوعی زندگی دموکراتیک و فعال، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. توسعه محلی در بریتانیا بر رویکرد کلی تری در خصوص تقویت ظرفیت اجتماع و مواجهه با مسائل گسترده‌تر در مورد برابری و عدالت اجتماعی تأکید دارد. در توسعه محلی، فرایندها و اصول، اهمیت بسیار دارند و این امر در تأکید بر کار با مردم، در عوض کار برای یا به جای مردم، منعکس شده است.

جایگاه کنونی توسعه محلی در برنامه‌ها و سیاست‌های دولت عموماً بر توانمندسازی اجتماع، سلامت و انسجام اجتماعی متمرکز است. مطالعات توسعه محلی به شکل مدون، اولین بار توسط چمبرز در سال ۱۹۹۲ مطرح شد و بعدها افرادی همچون پال، شارما، رامانا و... آن را ادامه دادند. رویکرد توسعه محلی بیش از هر چیزی ناظر بر پرورش توانایی‌های افراد است تا بتوانند مسائل مهم اجتماع خود را به شکلی مستقل و کارآمد حل و فصل کنند (فیلیس و پیتمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). بر اساس این رویکرد، دولت به تنهایی بازیگر عرصه توسعه نیست و در کنار آن شرکت‌ها، انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی نیز باید مشارکت داشته باشند (ایمانی جرجامی، ۱۳۸۰). پل استرین<sup>۲</sup> معتقد است توسعه فقط زمانی معنی دارد که درون‌زا باشد و مرکز آن انسان چندبعدی و جامعه محلی باشد. توسعه وقتی معنی دارد که نمایانگر آگاهی از خصائل فرهنگی مردم و تأیید هویت فرهنگی جامعه و ساکنان موردنظر باشد (آلیسون، ۲۰۰۹).

## مشارکت

در زمان کنونی دیگر نمی‌توان بحث توسعه و توسعه روستایی را بدون در نظر گرفتن مفهوم «مشارکت» مطرح کرد. به سخن دیگر، مشارکت با توسعه عجین شده است و امروزه یکی از مفاهیم اصلی آن به شمار می‌رود. کارشناسان و صاحب‌نظران توسعه تعاریف گوناگونی را برای مشارکت ارائه داده‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

مشارکت فرآیندی چندجانبه است و می‌تواند دربرگیرنده اشکال گوناگون فعالیت اجتماعی باشد؛

---

1. Phillips & Pittman  
2. Paul Strain

مانند فعالیت فرهنگی، آموزشی، سیاسی، فعالیت اتحادیه‌ای، فعالیت زیست‌محیطی، فعالیت‌های علمی، ادبی و یا فلسفی (کایوتری، ۱۳۷۹). مشارکت عبارت است از نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی. مشارکت فرآیند نیازسنجی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، بازنگری، ارزشیابی و بهره‌مندی مشترک افراد، یا هر کنش متقابل اجتماعی که در آن افراد یا گروه‌ها کار و فعالیت خود را به صورتی کم‌وبیش سازمان یافته و با کمک متقابل به هم می‌آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد (متین، ۱۳۷۸).

در خصوص توسعه روستایی، مشارکت شامل دخالت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها، شراکت در منافع حاصل از طرح‌های توسعه و دخالت آنان در ارزشیابی این طرح‌هاست (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۳). مشارکت را می‌توان فرآیند توانمند شدن محرومان و پردشدگان تلقی کرد. این نظر بر شناسایی تفاوت گروه‌ها و طبقات اجتماعی گوناگون به لحاظ قدرت سیاسی و اقتصادی مبتنی است. مشارکت به این مفهوم مستلزم ایجاد سازمان‌هایی برای فقرا است که دموکراتیک، مستقل و خوداتکا باشند (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۳). مشارکت فرآیندی است که از رهگذر آن افراد ذی‌ربط بر ابتکارهای توسعه و تصمیم‌ها و منابعی که نقش تعیین‌کننده در آن‌ها دارند، تأثیر می‌گذارند (بانک جهانی، ۱۹۹۴). جدول شماره یک پنج رویکرد کلیدی در تبیین مفهوم مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مفهوم مشارکت از دیدگاه صاحب‌نظران (اوکلی و همکاران، ۱۳۹۰)

مفهوم مشارکت	تعریف	صاحب‌نظران
فرایند	مشارکت شامل هر فرایندی است که از طریق آن افراد سهمی در رسیدن به تصمیم‌های مدیریتی توسعه دارند.	کلارک و رابرتز (۱۹۷۳)
نفوذ و کنترل	مشارکت سیستمی از مدیریت است که در قالب افراد بر تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای اثر می‌گذارند.	پیترسون (۱۹۸۹)
شیوه اعمال قدرت	مشارکت کلیه اشکال اعمال قدرت توسط زیردستان است، که از نظر آن‌ها مشروع جلوه می‌کند.	رامرز (۱۹۶۹)
تصمیم‌گیری	مشارکت تصمیم‌گیری مشترک است و باید از تصمیم‌گیری دستوری و یا تفویض اختیار به غیر تمیز داده است.	لاک، شویچی و لاتام (۱۹۸۸)
ادراک نفوذ	مشارکت عبارت است از ادراک هر فرد از میزان نفوذی که بر	واوم و لوتانز (۱۹۷۷-)

صاحب‌نظران	تعریف	مفهوم مشارکت
(۱۹۵۹)	تصمیم‌گیری دارد و مقایسه آن با میزان نفوذ واقعی وی در تصمیم‌گیری.	

از دیدگاهی دیگر می‌توان مشارکت را به انواع زیر تقسیم کرد:

**الف) پذیرا:** در این حالت مردم و متخصصان امر با همکاری یکدیگر برنامه‌ای را تدوین می‌کنند که مورد پذیرش و حمایت هر دو گروه باشد. این گونه برنامه‌ها اصولی و کاربردی هستند و طرفین آن‌ها را می‌پذیرند.

**ب) پیش‌ساخته:** در این حالت مردم نقشی در تدوین برنامه‌ها ندارند و عامل ترویج به همراه متخصصان برنامه‌ریزی و کارشناسان سازمان ترویج برنامه را طرح می‌کنند. در برنامه‌های ترویجی که حضور مردم دوشادوش برنامه‌ریزان الزامی است، برنامه‌ریزی به این صورت اصولاً مطلوب نیست.

**ج) خودساخته:** در این حالت مردم با اینکه به متخصصان نیاز دارند از وجود آن‌ها محروم می‌مانند و به ناچار خودشان برنامه‌ریزی می‌کنند. این نوع برنامه‌ها غالباً از اصول برنامه‌ریزی و مبانی علمی بی‌بهره‌اند.

**د) تحمیلی:** در این حالت نه متصدیان در تنظیم برنامه‌ها دخالت دارند و نه مردم. در چنین شرایطی احتمالاً برنامه‌ای وجود ندارد و هر کس کاری را به دلخواه انجام می‌دهد. می‌توان طیف وسیعی را برای مشارکت در نظر گرفت. طیفی که در یک سر آن مشارکت به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است و در سر دیگر آن مشارکت به عنوان هدف قرار دارد. گاه مشارکت در طرح‌ها جنبه کمک فیزیکی و یا مالی پیدا می‌کند، و گاه مترادف با توسعه قلمداد می‌شود. آنچه در فرآیند مشارکت مهم است، دخالت در طرح‌های «خودانگیخته» است نه «دگرانگیخته». بدیهی است که مشارکت واقعی از «شرکت» ذی‌نفعان در فراهم آوردن نیروی کار داوطلبانه برای طرح‌های دگرانگیخته و توسط عوامل بیرونی فراتر است (کارمن، ۱۹۹۳).

### تسهیل‌گری

تسهیل‌گری مفهومی است که در حوزه توسعه در نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم

شکل گرفت. تسهیل‌گری در راستای بهتر ارتباط برقرار کردن است به منظور آنکه مفهوم بهتری از زندگی را به عنوان یک انسان، درک کنیم. می‌توان به جرئت ادعا کرد که اگر همه می‌توانستند مهارت‌های تسهیل‌گری را خصوصاً در مراحل اولیه زندگی بیاموزند، جهان مکان آرامش‌بخش‌تری برای کل بشریت می‌شد. هوگان معتقد است که تسهیل‌گری می‌تواند زندگی بهتری را برای انسان نوید دهد و زمینه‌های مناسبی را برای درک پیچیدگی‌های روزافزون و همیشه در حال تغییر دهکده جهانی فراهم آورد. البته مفهوم تسهیل‌گری مانند بقیه مفاهیم توسعه مانند مشارکت، توانمند شدن، خوداتکائی و ارتباط فی‌نفسه مثبت نیست بلکه بستگی به کاربرد صحیح آن دارد. به سخن دیگر، با تسهیل‌گری می‌توان فرآیند توانمند شدن را سهولت بخشید و یا آنکه وابستگی بیشتر ایجاد نمود (هوگان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

جریان تسهیل‌گری، استقلال و ارتباطات مناسب را در میان افراد به حداکثر می‌رساند. در واقع تسهیل‌گران به صورت مطلوبی کار گروهی و یادگیری جمعی را در میان اعضای جامعه محلی تسهیل می‌کنند. تسهیل‌گران بایستی فضایی دوستانه، صمیمی و نشاط‌آور را برای تمام اعضای گروه ایجاد نمایند. به گونه‌ای که همه برای ابراز نظر و مشارکت احساس آرامش و راحتی نمایند. آن‌ها در چنین فضایی علاوه بر شادی و نشاط، شرایط تشویق یکدیگر را نیز فراهم می‌آورند. تسهیل‌گر باید فردی آرام و صبور باشد و این احساس آرامش را به جمع هم تسری دهد (کاننلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). در واقع، رشد تسهیل‌گری بیشتر مدیون این نگاه است که می‌توان از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها و مهارت‌های گروهی به انس آن‌ها کمک کرد که بهتر با هم ارتباط برقرار نموده و درک بهتری از جهان داشته باشند؛ مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، هیچ تعریف موردتوافقی درباره تسهیل‌گری وجود ندارد. طبق نظر زیمرمن و ایوانس<sup>۳</sup> (۱۹۹۳)، تسهیل‌گری یکی از آن واژه‌های بسیار مورد سوء تفاهم و سوء استفاده، به ویژه در مدیریت است. بعضاً به این خاطر که برخی از آموزش‌گران و مدیران فکر می‌کنند یا می‌گویند که در حال تسهیل‌گری هستند درست در زمانی که چنین نمی‌کنند

---

1. Hogan  
2. Connolly  
3. Zimmerman & Evans

(به‌ویژه وقتی که در حال ارائه مطلبی هستند یا در حال هدایت گروه به سمتی خاص). در واقع، تسهیل‌گری یعنی تشویق گفت‌و شنود آزاد و باز در میان افرادی که دیدگاه‌های متفاوت دارند تا از این طریق فرضیه‌های متفاوت و گزینه‌های مختلف مرور شوند.

تسهیل‌گری فرآیندی است که ضمن آن تسهیل‌گر اعضای گروه را به تبادل ایده‌ها، عقاید، تجربه‌ها و تخصص در جهت رسیدن به یک هدف مشترک و برنامه عمل توافقی راهنمایی می‌کند. تسهیل‌گری در حقیقت آسان‌ساختن و سرعت بخشیدن به فرایند یا اتفاقی است که عموماً از راه فعالیت‌ها و یا سازوکارهای اجتماعی انجام می‌شود (کاوه و همکاران، ۱۳۹۲). اگر قرار باشد که تعریفی عام از تسهیل‌گری ارائه دهیم، می‌توان آن را مجموعه روش‌ها و مهارت‌هایی دانست که به آسان‌تر کردن امور کمک کنند و تسهیل‌گر کسی است که کارها را ساده‌تر می‌کند.

اما تعریفی که در اینجا مطرح است، این است که تسهیل‌گر به موفقیت یک گروه از اعضای جامعه محلی و در نهایت به همه آن‌ها کمک می‌کند. در واقع تسهیل‌گر همواره در گروه‌ها فعالیت می‌کند و در واقع تفاوت این تعریف با تعریف فوق تأکید خاص بر گروه است. تسهیل‌گر آسان‌تر کردن کارها و کمک به موفقیت گروه از طریق افزایش تعامل گروهی، مشارکت بیشتر و طراحی یک مسیر مؤثر را بر عهده دارد. وقتی از بیرون به تسهیل‌گر و گروهش نگاه می‌شود، در پایان جلسه می‌توان گفت که جلسه موفقیت‌آمیزی برگزار شده است و تسهیل‌گر فعالیت مؤثری انجام داده و خود در تمام طول مسیر، مداخله‌ای نداشته است. در طی این جلسه ممکن است گروه مشغول تبادل تجربه باشد یا در مورد موضوعی خاص به بارش افکار مشغول بوده یا به حل مسئله پرداخته است. تسهیل‌گر طی این جلسه گروه را رهبری نمی‌کند و به دنبال سرگرم کردن آن‌ها نیست یا تلاش نمی‌کند که گروه به سمت خاصی هدایت شود؛ اما به گروه کمک می‌کند که با انتخاب بهترین راه در کمترین زمان، بیشترین مشارکت ممکن را به وجود آورد.

با این نگاه تسهیل‌گری یک خدمت است و مهم‌ترین وظیفه یک تسهیل‌گر این است که مراقب فرآیند باشد تا گروه. در واقع موضوع یا مسئله، بخشی از محتوا است که اعضای گروه روی آن کار

می‌کنند. روبسون و بری<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) چهار رفتار ویژه تسهیل‌گر را به شرح زیر بیان می‌کنند: اولین رفتار مهمی که یک تسهیل‌گر باید داشته باشد، ایجاد همدلی است. بدون احساس همدلی تسهیل‌گر زبان افراد را کمتر می‌فهمد و ممکن است روابط به تیرگی گرایش یابد. دومین رفتار صراحت است. این رفتار اگر با هدف شناخت و به دست آوردن فرصت‌های خوب تعریف شده برای کنش‌ها نباشد، سودمند نیست. صداقت، سومین اصل رفتاری است. اگر مردمی که با آن‌ها کار می‌کنیم به صداقت ما شک کنند، به سادگی در مقابل ما به هم می‌پیوندند و اگر آماده ادامه همکاری باشند، هیچ چیز را جدی نمی‌گیرند؛ و رفتار آخر، مجموعه ویژگی‌هایی است که احترام را برمی‌انگیزد.

برخی از مهارت‌های اولیه تسهیل‌گری در پژوهش بدین قرار است: تسهیل‌گر باید کاری کند تا همه اعضای گروه احساس راحتی و ارزشمند بودن پیدا کنند. تسهیل‌گر باید مشارکت را تشویق کند. تسهیل‌گر باید تعارض را مدیریت کند. تسهیل‌گر باید گوش دهد و مشاهده نماید. تسهیل‌گر باید گروه را رهبری کند. تسهیل‌گر باید از اتخاذ تصمیمات کیفی اطمینان حاصل نماید. تسهیل‌گر باید از برگزاری نشست‌های نتیجه محور اطمینان حاصل کند. از جمله ویژگی‌های اخلاقی تسهیل‌گر می‌توان به بانشاط بودن او اشاره کرد. تسهیل‌گر باید پرتحرک و فعال باشد و بتواند با خود انرژی را به جمع اهالی محله ببرد. او باید شنونده فعالی باشد و به خوبی و با دقت به درد و دل‌ها و صحبت‌های مردم گوش فرا دهد. نکات مهم را همواره یادداشت کند. فردی منعطف و انتقادپذیر باشد و بتواند با بازخوردهایی که در جریان فعالیت‌های خود از مردم می‌گیرد، رفتارهای خود را اصلاح کند. همچنین تسهیل‌گر باید خوش اخلاق و صبور باشد. این خوش اخلاقی و صبر باعث می‌شود که مردم بیشتر جذب او شوند. در کنار تمام این ویژگی‌های اخلاقی، مثبت اندیشی یک خصلت مهم برای هر تسهیل‌گر زبده است.<sup>۲</sup>

1. Robson & Beary

۲. برگرفته از: <http://fahrajkhairieh.ir>

## پیشینه پژوهش

حسینی مقدم (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «راهکارهای جدید برای اشتغال فراگیر روستاییان و تقویت امنیت اجتماعی» به این نتیجه می‌رسد که راهکارهای جدیدی برای اشتغال فراگیر روستاییان و تقویت امنیت اجتماعی می‌تواند انگیزه جوانان خالق محصول را برای ارائه طرح‌های تولیدی و خدمات فنی افزایش داده و منجر به تولید محصولات جدید با استانداردهای ملی شود.

حمیدیان (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه روستاها» که در شهرستان سبزوار انجام گرفته است، اظهار می‌دارد مدیریت روستایی نه می‌تواند بستر ساز و گرداننده توسعه و نوسازی روستا باشد و نه قادر به فراهم کردن زمینه مشارکت فعال روستاییان برای پیشرفت و ترقی روستا در سطح قابل قبولی است. شوراهای روستایی برآیند زمینه فرهنگی و اجتماعی روستاییان است. یعنی تحول لازم می‌باید فراگیرتر از شوراهای روستایی بوده و کل روستاییان را در برگیرد. هرچند شوراهای در کوتاه مدت به این تحول برای توسعه روستاها به معنی ارتقای کیفیت زندگی روستاییان به طور اعم نیازمندتر هستند. او پیشنهاد می‌دهد که برگزاری آموزش‌های فشرده خاص (پودمانی) برای شوراهای روستایی در مراکز دهستان‌ها، آموزش‌هایی که هم طرز تلقی آنان را تغییر دهد و هم روش‌ها را سامان بخشد می‌تواند کمک شایان توجهی به توسعه روستایی نماید. همچنین آموزش‌های عمومی از طریق رسانه‌های گروهی و سایر ابزارهای موجود برای ارتقای سطح اطلاعات روستاییان و تغییر طرز تلقی آنان جهت انتخاب گزینه‌های بهتر و خواستن مطالبات منطقی‌تر و تجهیز و سرمایه‌گذاری در امور کلان اقتصادی روستاها به عنوان زیرساخت، نقش مهمی در ارتقای تفکر روستاییان خواهد داشت.

غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش گردشگری در توسعه اجتماعی - اقتصادی مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی بخش سامان)»، در پی پاسخ این پرسش است که گردشگری چه نقشی در توسعه اجتماعی-اقتصادی نقاط روستایی در بخش سامان از توابع استان چهارمحال و بختیاری دارد. طی مطالعات میدانی و پرسشنامه‌های تکمیل شده از سوی ۳۷۶ نفر در قالب نمونه آماری منتخب به روش کوکران در پانزده روستای گردشگر پذیر نشان می‌دهد که



میان افزایش شمار گردشگران، رونق گردشگری و بهبود شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه پیگیری راهبردهایی که به رونق گردشگری روستایی بینجامد، می‌تواند در بهبود شاخص‌های توسعه روستا، لااقل در حوزه توسعه اقتصادی مفید باشد.

سیف‌اللهی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «اثرات آموزش‌های غیررسمی بر توسعه اقتصادی روستاها (مطالعه موردی روستاهای شهرستان فریدن استان اصفهان)»، تحقیقی با هدف شناسایی آثار و پیامدهای اقتصادی آموزش‌ها در چارچوب پژوهش ارزشیابی و با استفاده از الگوی ارزشیابی شبه تجربی انجام داده است. این آموزش‌ها با کمک مدیریت محلی (شوراها و دهیاری‌ها) از طرف جهاد کشاورزی برای کمک به توسعه اقتصادی روستا است. نتایج تحقیق نشان داد که در شاخص افزایش تولیدات دامی، تفاوت مشاهده شده بین دو گروه معنی‌دار و آموزش‌های غیررسمی در زمینه افزایش تولیدات دامی فراگیران مؤثر است. در شاخص بهبود و افزایش درآمد نیز تفاوت مشاهده شده بین دو گروه معنی‌دار و این آموزش‌ها در بهبود نسبی درآمد دامداران روستایی مؤثر است. در شاخص افزایش سرمایه‌گذاری در امور دامداری تفاوت مشاهده شده بین دو گروه در خصوص متغیرهای دریافت وام، سرمایه‌گذاری در احداث جایگاه دام، سرمایه‌گذاری در بهسازی جایگاه دام، سرمایه‌گذاری در خرید وسایل و تجهیزات و سرمایه‌گذاری در سایر فعالیت‌های دامداری، معنی‌دار بود. لذا با توجه به اینکه آموزش‌های غیررسمی به‌عنوان یکی از روش‌های مؤثر در بهبود و ارتقای سطح تولید و بهره‌وری نهایی، نوسازی شیوه‌های گوناگون تولید و توسعه اجتماعی و فرهنگی روستایی مؤثر است، فراهم نمودن امکانات کافی و مناسب در چهارچوب یک برنامه مشخص و مدون، ارائه این خدمات توسط اتحادیه‌های صنفی، شرکت‌های تعاونی، سازمان‌های غیردولتی به‌خصوص با نظارت و برنامه‌ریزی مدیریت شوراها و دهیاری‌ها، همراه با رفع مسائل و مشکلات دامداران و ارائه وسایل و ابزار خاص به‌صورت رایگان و یا با یارانه به فراگیران مدنظر قرار گیرد.

در اویتای ژاپن راهبردی با عنوان «یک روستا یک محصول»<sup>۱</sup> پیشنهاد شد که با توجه به اهداف و زمینه‌های به وجود آمدن و نوع عملکردش به‌عنوان یک استراتژی مهم توسعه اقتصاد محلی در نظر

گرفته می‌شود و کمک‌کننده به توانایی جوامع برای بهبود کیفیت زندگی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید و مبارزه با فقر با درک فرآیندهای توسعه اقتصاد محلی و عملکرد استراتژیک در اقتصاد متغیر و رقابتی بازار است (ناگویاما و ماپوری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). توسعه اقتصادی برای یک جامعه محلی در تمامی فرآیند این راهبرد به خوبی قابل مشاهده است. یک روستا، یک محصول یک رویکرد متمایز برای توسعه جامعه روستایی است (ایزا و لاوا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) که باید از طریق مشارکت رهبران محلی دنبال شود (کلایمون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). این راهبرد برای جلوگیری از اتلاف انرژی و کمبود جمعیت (سان و مورویاما<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷؛ سگا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲) پیشنهاد شد و روشی ساده را با ایده‌هایی پیچیده که در گذر زمان به وجود آمده‌اند، ترکیب کرد که گاهی اوقات آن را غیرشفاف و جذاب می‌کند (سان و مورویاما، ۲۰۱۲). این راهبرد درصدد توسعه محصولاتی است که بتواند ضمن تأکید بر ارزش محلی در بازارهای جهانی رقابت کند و روحیه خودکفایی جامعه را ترغیب نماید (دیون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷) راهبرد ژاپنی یک روستا، یک محصول را می‌توان به عنوان یک سیستم سیاستی که به دولت‌ها در سایر مناطق جهان معرفی می‌شود تا رویکردی تلفیقی از فعالیت‌های مختلف موجود برای حیات منطقه‌ای از طریق تولید کالاها و خدمات منطقه‌ای ارائه دهد، در نظر گرفت (سان و مورویاما، ۲۰۱۲). بدین صورت که جوامع روستایی با توجه به این راهبرد به پرورش محصولات، خدمات و صنایعی که به بهترین وجه در منطقه منعکس شده و رشد کرده پرداخته و وابستگی شدید به دولت را ریشه کن کرده و خودکفایی را در بین مردم منطقه تقویت می‌کنند (ونگ<sup>۷</sup>، یان، ۲۰۱۹).

## روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده کیفی، محل جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و از نظر اهداف اصلی در زمره تحقیقات توصیفی - کاربردی است؛ زیرا در این تحقیق به تبیین و توصیف انواع کلی

1. Nghonyama & Mtapuri
2. Issa & Lawa
3. Claymone
4. Son & Murayama
5. Sega
6. Ndione
7. Wang Yan

راهبردهای توسعه محلی در مدیریت پرداخته می‌شود و همچنین از آنجا که ارتباط اجزای مختلف عناصر توسعه محلی و راهبردهای گوناگون با یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، در حوزه پژوهش‌های تبیینی نیز قرار دارد؛ بنابراین به دلیل استفاده از نتایج تحقیقات مختلف و تجزیه و تحلیل یکپارچه آن‌ها با یکدیگر در این پژوهش، می‌توان مقاله حاضر را در زمره تحقیقات مروری ترویجی به حساب آورد. یک مقاله علمی ترویجی با مرور ادبیات و تعمیق در آن، اطلاعات منتشر شده در یک حوزه مشخص در یک محدوده زمانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ و پس از توصیف آن‌ها، از طریق سازمان‌دهی خاص خود اقدام به ترکیب و بازتیین نتایج به صورتی جدید و ارائه استنتاج‌ها و اطلاعات در ساختاری نو می‌نماید. مقاله علمی ترویجی می‌تواند تفسیری جدید از مقالات و کارهای قبلی ارائه دهد یا اطلاعاتی جدید را با تفاسیر قبلی در هم آمیزد، یا سیر جریان پیشرفت فکری حوزه مورد بحث و مباحثات مربوط به آن را ترسیم کند. این مقالات بر پایه جابه‌جایی، تلفیق و ترکیب دانش موجود تهیه می‌شوند و معمولاً به روشن شدن زوایای مسئله‌ای کمک می‌نمایند.

در این پژوهش نیز به دلیل متمایز بودن موضوع تحقیق و کمبود تحقیقات مشابه در این زمینه، محقق با جمع‌آوری ادبیات موجود در زمینه انواع راهبردهای توسعه محلی در مناطق شهری و روستایی، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پراکنده و تا حدودی مرتبط با موضوع نمود تا شکل‌گیری یک چهارچوب جامع و هدایتگر در حوزه راهبردهای کلان توسعه محلی میسر گردد. از این رو مبنای اصلی رویکرد این پژوهش در حوزه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، مطالعات عمیق کتابخانه‌ای است و نتایج نهایی نیز حاصل ترکیب و مقایسه انطباقی پژوهش‌های گوناگون در این حوزه است.

## یافته‌های پژوهش

با توجه به مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش و ارزیابی تحلیلی محقق، در مجموع می‌توان سه راهبرد کلان یا رویکرد متمایز به فرآیند توسعه جوامع محلی شناسایی نمود. این راهبردها هر کدام از لحاظ پیش‌فرض‌های خود در موضوعات کلیدی توسعه محلی، میزان مشارکت اعضای جامعه محلی و مدل تسهیل‌گری مورد پذیرش متفاوت هستند.

(۱) رویکرد نمایندگی؟

۲) رویکرد تعاملی؛

۳) رویکرد مشارکتی.

در راهبردهای توسعه با رویکرد نمایندگی، یک مرجع بیرونی (خارج از جامعه محلی) مثلاً یک دولت محلی یا سازمان خصوصی، اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای را مشخص نموده و از طریق اجرای دقیق یک فرآیند مدیریت پروژه، طرح‌های موردنظر خود را پیاده می‌کند. مثال ملموس این نوع راهبردها توسعه پروژه‌های راه‌سازی یا سدسازی در روستاها، همچنین طرح‌های کشت سفارشی محصولات کشاورزی است.

نوع دوم راهبردهای توسعه که مبتنی بر رویکرد تعاملی است، سعی دارد تا با کشف نیازهای اساسی جامعه محلی و اولویت‌بندی آن‌ها، گام‌های توسعه را بر اساس نیازها و اقتضائات خاص هر منطقه طی کند. لذا پیش از اتخاذ تصمیمات و برنامه‌ریزی برای توسعه یک روستا، ابتدا ارزیابی‌های سریع از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و... روستا انجام می‌شود و سپس با توجه به اطلاعات به دست آمده اولویت‌های توسعه مشخص و اقدامات اجرایی نیز با کمک اهالی روستا و هدایت مرجع بیرونی به پیش می‌رود.

اما در راهبردهای توسعه مبتنی بر رویکرد مشارکتی، پیش‌فرض اساسی برای تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه محلی، بهره‌گیری از ظرفیت دانش بومی و مشارکت فعال اهالی روستا در تمام مراحل است. به گونه‌ای که خود آن‌ها تشخیص می‌دهند که در چه حوزه‌هایی توسعه را آغاز نموده و جزئیات فرآیند اجرا به چه نحوی خواهد بود.

مقصود از مشارکت جامعه محلی، حضور مستمر و بی‌وقفه آن‌ها در کنار متخصصان و مراجع بیرونی توسعه نیست، بلکه منظور رسیدن به درکی شفاف از اهمیت و ضرورت توسعه، و ابراز نظر فعال در مراحل برنامه‌ریزی و مشارکت پویا و عملی در فرآیند اجراست. با توجه به اهداف، پیش‌فرض‌ها و کاربردهای ویژه هر یک از این سه رویکرد، سبک‌های متفاوتی از رهیاری نیز به وجود می‌آید که جدول زیر تفاوت‌های رهیاری در این سه رویکرد را نشان می‌دهد.

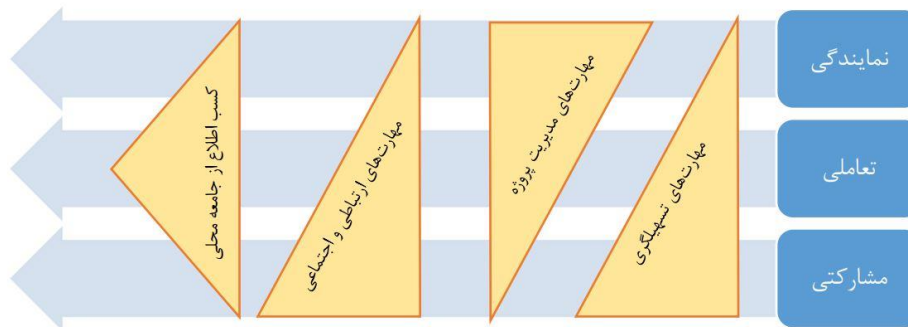
جدول ۲. ویژگی‌های متفاوت تسهیل‌گر در هر یک از سه راهبرد توسعه محلی

ویژگی‌های تسهیل‌گر	رویکرد نمایندگی	رویکرد تعاملی	رویکرد مشارکتی
عنوان	کارگزار توسعه	مدیر توسعه	تسهیل‌گر توسعه
مشارکت در مرحله برنامه‌ریزی	مسئول برنامه‌ریزی	مسئول برنامه‌ریزی مشارکتی	تسهیل‌گر برنامه‌ریزی اعضای جامعه محلی
میزان بهره‌گیری از دانش بومی	محدود و به‌حسب نیاز	گسترده	کاملاً مبتنی بر دانش بومی
مشارکت در فرآیند اجرا	مجری اصلی توسعه	مدیر توسعه با همکاری جامعه محلی	تسهیل‌گر مشارکت کامل اهالی در تمام مراحل اجرا
شیوه ارتباط با جامعه محلی	ارتباط عمودی یک‌سویه (اطلاع‌رسانی و آموزش‌های موردی)	ارتباط عمودی و دوسویه (نیازسنجی و آموزش)	ارتباطات عمودی دوسویه و افقی (بین خود اهالی)، تسهیل‌گر ارتباطات جامعه محلی

از آنجا که ویژگی‌های رهیار توسعه اجتماعی در هر رویکرد متفاوت است، لذا مهارت‌ها و دانش موردنیاز برای رهپاری در این سه رویکرد نیز متفاوت خواهد بود. به‌طور مثال، رهپاری در رویکرد نمایندگی بیشتر نیازمند مهارت‌های مدیریت و رهبری پروژه است، در رویکرد تعاملی نیازمند مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های کسب اطلاعات و دانش بومی از جامعه محلی و در رویکرد مشارکتی علاوه بر مهارت‌های اجتماعی نیازمند تسلط بر مهارت‌ها و فنون تسهیل‌گری است. بنابراین یک رهیار توسعه اجتماعی فارغ از رویکرد توسعه، برای موفقیت در ایفای نقش خود، نیازمند یادگیری مهارت‌های ذیل است:

۱. مهارت‌های مدیریت و رهبری پروژه؛
۲. مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی؛
۳. مهارت‌های تسهیل‌گری؛
۴. مهارت کسب اطلاعات از جامعه محلی.

اکنون با در نظر گرفتن تفاوت‌های بین سه رویکرد توسعه می‌توان تفاوت‌های مهارت‌های چهارگانه فوق برای رهبری را نیز مشخص نمود. همان‌طور که در شکل زیر نشان داده شده، رهیار توسعه اجتماعی با توجه به آنکه بر اساس چه رویکردی مشغول فعالیت باشد، نیازمند سطوح متفاوتی از مهارت‌های رهبری است. در ادامه و تشریح جزئیات هر یک از مهارت‌های فوق می‌پردازیم.



شکل ۲. میزان و نوع مهارت‌های کلیدی تسهیل‌گر در هر یک از راهبردهای توسعه محلی

- ۱) **مهارت‌های مدیریت پروژه:** جهت کسب مهارت کافی در زمینه مدیریت پروژه، ضروری است تا رهیار توسعه اجتماعی دانش و مهارت لازم در سه زمینه زیر را کسب نماید.
  - تجربه و تسلط کافی بر حوزه تخصصی توسعه (به‌طور مثال جزئیات راه‌سازی و...)
  - دانش مفاهیم مدیریت پروژه (شامل تکنیک‌های برنامه‌ریزی، زمان‌بندی، تقسیم کار و کنترل پروژه)
  - دانش مدیریت بحران (جهت مواجهه و حل مشکلات پیش‌بینی نشده در مسیر اجرا)
- ۲) **مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی:** مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در چهار حوزه اصلی قابل دسته‌بندی هستند. رهیار توسعه اجتماعی می‌بایست جهت یادگیری این مهارت‌ها، آموزش‌های نظری و عملی کافی در این چهار موضوع را سپری کند.
  - مهارت‌های ارتباط کلامی: شامل مهارت ارائه (سخنرانی در جمع)، مهارت شفاف‌سازی و تبیین، مهارت ارائه بازخورد و انعکاس نظرات، مهارت پرسیدن سؤالات مؤثر، مهارت شوخ‌طبعی و...

مهارت ارتباط غیر کلامی: شامل کلیه تکنیک‌ها و فنون زبان بدن

مهارت گوش دادن فعال

مهارت هوش هیجانی: شامل مهارت‌های خودآگاهی، خودانگیزگی، خودارزیابی، همدلی، ترغیب و تأثیرگذاری بر دیگران و ایجاد صمیمیت.

**۳) مهارت‌های تسهیل‌گری:** به منظور آمادگی هرچه بیشتر رهیار جهت ایفای نقش تسهیل‌گری

در جوامع محلی، لازم است تا آموزش‌های نظری و عملی در حوزه‌های ذیل سپری شود.

مهارت یخ‌شکنی: شامل انواع گوناگونی از فنون و تکنیک‌های فردی، گروهی و جمعی (مانند بازی شکلات‌های رنگی، بازی و حقیقت و یک دروغ، هواپیماهای کاغذی، سال ضرب سکه، یک وجه مشترک و...)

مهارت اعتمادسازی: برای آنکه مردم جوامع محلی مشارکت پایدار و عملی با رهیار توسعه اجتماعی داشته باشند، می‌بایست یک اعتماد متقابل بین آن‌ها شکل بگیرد. پایه‌های این اعتماد، بر رفتار و گفتار رهیار استوار است. لذا ضروری است تا رهیار پیام‌ها را اولاً خود واقعی و اصیلش را بروز دهد، ثانیاً منطق حساب شده و ظریفی در پیامش داشته باشد و ثالثاً در عمل همدلی واقعی خود را نسبت به جامعه محلی نشان دهد.

مهارت توانمندسازی: رهیار توسعه اجتماعی باید قادر باشد تا ابزارهای ضروری جهت توسعه مشارکتی را در اختیار اعضای جامعه محلی قرار دهد. بخشی از این ابزارها به منظور افزایش خودآگاهی جمعی است (همانند: نقشه‌های اجتماعی، نقشه‌های منابع طبیعی، نقشه‌های بازار، تقویم کارهای فصلی و...); بخشی از این ابزارها جهت یافتن ایده‌های خلاقانه برای توسعه است (همانند: تجزیه و تحلیل درخت مشکلات، درخت راه‌کارها، نمودار استخوان ماهی، توفان فکری، شش کلاه تفکر و...); و بخشی دیگر نیز به منظور تسهیل برنامه‌ریزی و ارزیابی پیشرفت‌هاست (مانند ماتریس SWOC، ماتریس زوجی، نمودار T، نمودار گانت و...)

مهارت کار تیمی: رهیار توسعه اجتماعی می‌بایست علم پویایی‌های گروه و اقتضائات هر مرحله از دوره عمر گروه را پیام‌ها را با کمک به گروه‌های توسعه محلی در جهت رسیدن به بلوغ همکاری و

اثر بخشی یاری رساند. همچنین ابزارهای مفید تفکر جمعی، تصمیم‌گیری جمعی و تعهد جمعی را به آن‌ها بیاموزد.

**۴) مهارت کسب اطلاع از جامعه محلی:** در زمینه آگاهی از دانش بومی و اطلاع از ویژگی‌های جامعه محلی لازم است تا رهیار توسعه اجتماعی پیش از آغاز هر فرآیند در روستای مورد نظر، اطلاعات و آگاهی کافی از وضعیت جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا به دست آورد. در حقیقت یک رهیار باید بداند که چه اطلاعاتی را از چه کسانی به دست آورد. به همین منظور می‌بایست در ابتدا ملاقات‌هایی با اقشار مختلف مردم روستا داشته باشد و از طریق یک مصاحبه نیمه ساختاریافته به اطلاعات مورد نیاز دست پیدا کند. مناسب است که مصاحبه‌ها با گروه‌های ذیل انجام شود تا اطلاعات دقیق و جامعی به دست آید.

- مقامات رسمی و مرجع روستا (دهیار، رئیس شورا، روحانی روستا، ریش سفیدان و...)
- مردان فعال (مردان باتجربه‌ای که طی روز در روستا قابل مشاهده نیستند و در محل زراعت یا دامداری خود مشغول فعالیت‌اند)
- زنان فعال (زنانی باتجربه‌ای که مشغول خانه‌داری یا کارهای خارج از خانه هستند و در بسیاری از موارد مرجع حل مشکلات و مسائل زنان روستا هستند. در خیلی متون به این زنان فعال گیس چرمه (به تعبیری همان موسفید) گفته می‌شود.)
- افراد به ظاهر در حاشیه (سایر فعالان روستا که شاید در دسته‌بندی‌های فوق نگنجدند؛ مانند جوانان تحصیل کرده یا افرادی که مشغول انتقال محصولات از روستا به سایر مناطق و شهرها هستند و...)

## نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی و توصیف راهبردهای توسعه جوامع محلی انجام شد. از آنجاکه تجارب گوناگون توسعه‌ای بر پایه پیش‌فرض‌های مختلفی نسبت به مفهوم توسعه صورت گرفته است و ماحصل هر یک از این پیش‌فرض‌ها می‌تواند دستیابی به نتایج متفاوت در مسیر توسعه یک جامعه محلی و تغییر سرنوشت اهالی آن باشد، لذا ارزیابی و تمییز راهبردهای مختلف به منظور انتخاب



راهبرد مناسب و منطبق و ویژگی‌های خاص هر جامعه روستایی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای فعالان عرصه توسعه و تسهیل‌گری در جوامع محلی است. با این توصیف مسیر پژوهش ابتدا با تبیین مفاهیم کلیدی آغاز گردید. در تشریح مفهوم کلی توسعه ذکر شد که علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است. در حقیقت، بحث توسعه از رشد اقتصادی به توسعه فرهنگی و انسانی گرایش پیدا کرده است.

در تبیین مفهوم توسعه روستایی ماحصل نتایج بیانگر آن بود که این مضمون صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست که با توزیع نهاده‌های کشاورزی و ترویج صورت پذیرد؛ همچنین توسعه به مفهوم رفاه اجتماعی نیز نبوده که با تزریق پول به مناطق روستایی حاصل گردد؛ بلکه توسعه روستایی طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری که آن‌ها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی‌شان نگه داشته است قادر می‌سازد. همچنین در تشریح کلیدواژه مهم توسعه محلی، نتیجه جمع‌بندی دیدگاه‌ها آن بود که این مفهوم روشی برای تحکیم جامعه مدنی از طریق اولویت‌بندی فعالیت‌های اجتماعات محلی و چشم‌اندازهای آن در ایجاد سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی است. بنابراین توسعه محلی ظرفیت افراد را در نقش شهروندان فعال از طریق گروه‌ها، نهادها و شبکه‌های مردمی بالا می‌برد و از این طریق بین آن‌ها گفتگو به وجود می‌آورد. مفهوم کلیدی دیگر مشارکت بود که با توسعه و توسعه روستایی عجین شده است و امروزه یکی از مفاهیم اصلی توسعه به شمار می‌رود. مشارکت عبارت است از نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی. در نهایت واژه بسیار مهم تسهیل‌گری که امروزه نیز پررونق و مکرر مورد استفاده است بررسی شد. بر این اساس ذکر شد که تسهیل‌گر وظیفه آسان‌تر کردن کارها و کمک به موفقیت گروه از طریق افزایش تعامل گروهی، مشارکت بیشتر و طراحی یک مسیر مؤثر را بر عهده دارد.

پس از مرور و جمع‌بندی دیدگاه‌های گوناگون در امر توسعه، محقق به وجود سه راهبرد و جریان

اصلی در حوزه توسعه جوامع محلی و روستایی دست یافت. راهبرد توسعه با رویکرد نمایندگی، تعاملی و مشارکتی. در راهبردهای توسعه با رویکرد نمایندگی، یک مرجع بیرونی (خارج از جامعه محلی) مثلاً یک دولت محلی یا سازمان خصوصی، اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای را مشخص نموده و از طریق اجرای دقیق یک فرآیند مدیریت پروژه، طرح‌های موردنظر خود را پیاده می‌کند. راهبرد مبتنی بر رویکرد تعاملی سعی دارد تا با کشف نیازهای اساسی جامعه محلی و اولویت‌بندی آن‌ها، گام‌های توسعه را بر اساس نیازها و اقتضائات خاص هر منطقه طی کند؛ اما در راهبرد توسعه مبتنی بر رویکرد مشارکتی، پیش‌فرض اساسی برای تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه محلی، بهره‌گیری از ظرفیت دانش بومی و مشارکت فعال اهالی روستا در تمام مراحل است. در نتیجه حداکثر اتکا بر توان و ظرفیت‌های جامعه محلی در راهبرد سوم قابل تحقق است. همچنین هر سه رویکرد از لحاظ ویژگی‌های مختلفی چون مهارت‌های مدیریت پروژه، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، مهارت‌های تسهیل‌گری و مهارت کسب اطلاعات از جامعه محلی با یکدیگر متفاوت هستند.

## منابع

- ابراهیم پور، محسن (۱۳۹۵). الگوهای نهادی هم‌راستایی آموزش و اشتغال کشاورزی در ایران. هشتمین همایش ملی انجمن جمعیت‌شناسی ایران: تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستائی ایران (چاپ ششم)، تهران: اطلاعات.
- امیدی نجف‌آبادی، مریم (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی مشارکتی در ترویج کشاورزی. مجله جهاد. شماره ۲۶۲.
- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید. (۱۳۸۰). رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، مترجم: منصور محمودنژاد، انتشارات وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری. مدیریت شهری ۷. ۳۴.
- تسهیلگر کیست و چه می‌کند؟ (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷) برگرفته از: <http://fahrajkhairieh.ir>
- تودارو، مایکل. فرجادی، غلامعلی. (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم. کوهسار.
- چمبرز، رابرت و خرمایی، علیرضا (۱۳۸۱). چالش با حرفه‌ها: عرصه‌های چالش در توسعه روستایی. تهران: ارغنون.
- حسینی مقدم، سید حسین و حسینی مقدم، سید علی (۱۳۹۱). راهکارهای جدید برای اشتغال فراگیر روستاییان و تقویت امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی دانش انتظامی گیلان. ۱ (۲)، تابستان، ۷۴-۸۹.

- حمیدیان، علیرضا (۱۳۸۱). مدیریت روستایی و نقش آن بر توسعه روستاها نمونه: شهرستان سبزوار. رساله دکتری، دانشگاه حکیم سبزواری.
- زارعی، مجید؛ مطیعی، ناصر و کلاتری، خلیل (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های بازدارنده توسعه زنجیره تأمین محصول سیب‌زمینی در استان همدان از دیدگاه تولیدکنندگان. اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۲۷(۳)، ۲۳۵-۲۵۵.
- سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۷). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. آبیژ.
- سیف‌اللهی، محمود؛ برقی، حمید و قنبری، یوسف (۱۳۸۹). اثرات آموزش‌های غیررسمی بر توسعه اقتصادی روستاها (مطالعه موردی روستاهای شهرستان فریدن استان اصفهان). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. ۲(۶)، ۹۵-۱۱۶.
- شعبانعلی فمی، حسین؛ علی‌بیگی، امیرحسین و شریف‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۸۴). رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران: موسسه توسعه روستایی ایران.
- شماعی، علی (۱۳۹۴). راهبردهای توسعه محله‌ای با رویکرد مشارکتی از طریق دفاتر تسهیل‌گری (مورد مطالعه: بافت فرسوده محله جمهوری شهر تهران). توسعه روستایی (روستایی-شهری). ۷(۱)، ۱۰۳-۱۲۸.
- عزیزپور، فرهاد؛ رزاقی بورخانی، فاطمه و مختاری، مریم (۱۴۰۰). تبیین سطح اولیه راهبرد یک روستا، یک محصول در توسعه اقتصاد محلی مورد: دهستان نهرمیان شهرستان شازند. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۱۰(۳۵)، ۱۹۴-۱۷۳.
- قاسمی، ایرج. قاسمی سیانی، محمد. حیدری، حسین. (۱۳۹۵). تحلیل عوامل موثر بر مشارکت مردم در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده ۱. رفاه اجتماعی ۵۹. ۲۸۶-۲۵۳.
- غفاری، سید رامین و ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۹۶). نقش گردشگری در توسعه اجتماعی-اقتصادی مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری: مطالعه موردی بخش سامان. روستا و توسعه، ۱۲(۲)، ۱۱۳-۱۲۶.
- فوت وایت، ویلیام (۱۳۷۸). پژوهش عملی مشارکتی (ترجمه محمدعلی حمید رفیعی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کاپوتری، هوئین (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه (ترجمه هادی غبرائی و داود طبایی)، تهران: سروش.
- کمالی، محمدباقر (۱۳۸۰). تسهیل‌سازی الگوی آزمایشی مروجین دو سویه روستایی-تهران، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- کمالی، محمدباقر (۱۳۸۵). تحقیقات مشارکتی: رهیافت‌ها، تجربیات و پیشنهادها، روستا و توسعه، ۹(۴)، ۲۱۷-۲۴۷.
- کمالی، محمدباقر (۱۳۹۰). ارزشیابی مشارکتی طرح زنان تسهیل‌گر توسعه روستایی: فرآیند اجرا و اثرات. تهران: آموزش کشاورزی.
- مایر، جرالده ماروین (۱۳۷۸). مباحث اساسی اقتصاد توسعه (ترجمه غلامرضا آزادمکی)، تهران: نی.

- متین، نعمت‌الله (۱۳۷۸). "مبانی مشارکت و ضرورت‌های آن" جهاد، ۲۱۶.
- محمدی، کاوه، رضویان، محمدتقی، صرافی، مظفر. (۱۳۹۲). نقش دفاتر تسهیل‌گری در سرعت بخشی به شهرسازی مشارکتی در بافت‌های فرسوده شهری (موردپژوهی: منطقه ۹ شهرداری تهران). برنامه ریزی منطقه ای ۱۱. ۴۳-۵۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه آماری کشور، تهران: انتشارات دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی مرکز آمار ایران.
- ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۷). ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Akcomak, I. S., Borghans, L., & Ter Weel, B. (2011). Measuring and interpreting trends in the division of labour in the Netherlands. *De Economist*, 159(4), 435-482.
- Carmen. R. (1988). Participatory communication for rural social development, Ph.D. Thesis, Manchester University.
- Carmen. R. (1993). "Poverty and poverties", Poverty Alleviation Symposium, Manchester University, UK.
- Cheo. C. (2003.) "Multi-country study mission on Rural life improvement for community development, Korea", APO Seminar, Republic of China.
- Connolly. B. (2008). "Adult learning in groups", Open University Press, UK.
- Freire. P. (1972). "Pedagogy of the oppressed", Penguin Books, UK.
- Gilchrist, Alison (2009). *The well-connected Community: A Networking Approach to Community Development*, Second Edition, UK, University of Bristol. P. 23-24.
- Gonsalves. J et al, (2006). "Participatory research.& development for sustainable agriculture", Vol 1, IDRC, Ottawa, Canada.
- Grant, S., & Humphries, M. (2006). Critical evaluation of appreciative inquiry: Bridging an apparent paradox. *Action research*, 4(4), 401-418.
- Hall. B et al, (1982). "Creating Knowledge: A Monopoly?", Society for participatory research in Asia, New Delhi.
- Hart. H. (1996). "Faultless facilitation", New Delhi, Viva Books.
- Hogan. C. (2002). "Understanding facilitation", SAGE, London.
- Issa, F. O., & Lawal, A. O. (2014). One-village one-product (OVOP): A tool for sustainable rural transformation in Nigeria. *Nigerian Journal of Rural Sociology*, 14(2202-2019-823), 48-63.
- Kamali. B. (1998). "Factors affecting the role of animators in facilitating Participatory rural development, Esfahan-Iran", Ph.D. Thesis, Manchester University, UK.
- Kronenberg. J.B, (1986). "Empowerment of the poor", Royal Tropical Institute, Amesterdam, Netherlands.
- Ledwith. M, (1990). "Antonio Gramsci: the application of his theoretical concepts", Ph.D Thesis, Manchester University.
- Maguire, P, (1987). "Doing participatory research: a feminist approach", University of Massachusetts, USA.
- Mtapuri, O. and MG. Nghonyama, (2011). *The Sustainability of Local Economic Development Projects in Thulamela Municipality in THE Vhembe District of the Limpopo Province*, Mini-

- 
- Dissertation Submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Master of Development in the Faculty of Management and Law at the University.
- Murayama, H. and K. Son, (2012). Understanding the OVOP Movement in Japan (An Evaluation of Regional One-Product Activities for Future World Expansion of the OVOP/OTOP Policy), 191-208.
- Ndione, J. S., (2017). Beyond The OVOP Through Design Thinking Approach: Master's Thesis Presented, Asia Pacific University, Business Administration in Graduate School of Management.
- Phillips, R. & Pittman, R. H. (2009). A framework for community and economic development, Chapter 1, p: 15.
- Rahman, A. (1993). " People's self-development", Zed Books, London.
- Reason, P, (1994). " Participation in human inquiry", SAGE, London.
- Reason, P & Bradbury, H, (2006). "Handbook of action research", SAGE, UK.
- Robson, M., & Beary, C. (1995). Case Histories in Facilitation.
- Scarborough, V. (1997). Farmer-led extension: concepts and practices. London: Intermediate Technology
- Tilakaratna, S, (1987). "The animator in participatory rural development", ILO, Geneva.
- Todaro, M. P. (1997). Development Strategy, Employment and Migration: Insights from Models. Population and Development Review, 23(1), 201-203.
- White, S, (1999). "The art of facilitating participation", SAGE publications, London.
- Whyte, F.H, (1991). " Paticipatory action research, " SAGE, London.
- World Bank, (1994). "Islamic Republic of Iran, Services for Agr & RD".
- Wang, Y. (2019, July). Research on the Development of Rural E-commerce in " One Village One Product" of Shaanxi Province. In 4th International Conference on Humanities Science, Management and Education Technology (HSMET 2019) (822-825). Atlantis Press.
- Yoopin Claymone, Watunyu Jaiborisudhi. (2011). A study on one village one product project (OVOP) in Japan and Thailand as an alternative of community development in Indonesia. The International Journal of East Asian Studies, 51-62.
- Zimmerman, A. L., & Evans, C. J. (1993). Facilitation--from discussion to decision. Nichols Pub.

## Typology of local development strategies in rural communities

Ali Asgar Halvaei \*

### Abstract

At the core of the local development approach, increasing participation means increasing people's empowerment and self-confidence and overseeing all processes. When local people are empowered, collective work is possible. This approach received more attention when, since the 1960s, conventional quantitative and qualitative methods in the study of rural and urban development strategies have been criticized, and questions such as which groups are less involved in the development process, who should be given more attention. What are the reasons for the repeated failure of prescriptive development policies by central and local governments for different communities? The answer to these questions is possible through the participation of people, especially the elites of local communities in the local development process. The purpose of this qualitative study is to develop a framework through which a comprehensive view and perspective on various local development strategies and models can be achieved and each strategy can be interpreted based on this proposed framework. In this way, the main foundation and key approaches of each strategy in the field of basic issues of local community development are identified. The result of this study shows that the existing set of strategies can not be classified into three different and distinct species. Representative, interactive, and participatory strategies each differ in their views on the role of the local community, development goals, and the role of facilitator.

**Keywords:** Local development, participation, facilitation, development facilitation strategies, local community

---

\* PH.D In Commercial Policy Making Management, College of Management and Accountancy,  
Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran [Asgar.h.a@gmail.com](mailto:Asgar.h.a@gmail.com)